



رکن پنجم تجدد

وی جینگ شنگ



رکن پنجم تجدد

وی جینگ شنگ



توانا

TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

رکن پنجم تجدد

The Fifth Modernization

نویسنده: وی جینگ شنگ (Wei Jingsheng)

مترجم: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نقاشی روی جلد: On the Points, painting by Wassily Kandinsky

© E-Collaborative for Civic Education 2019

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

مقدمه

به دنبال پیروزی انقلاب در چین در سال ۱۹۴۹، حزب کمونیست بر امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور حاکم شد و همه امور را تحت کنترل شدید خود در آورد. حزب و دولت یک‌صدا و همسو شدند و هر صدای مخالفی را خاموش کردند. در دهه پنجاه میلادی حزب کمونیست سیستم کشاورزی را به صورت اشتراکی در آورد، «اصلاحات فکری» را بر روشنفکران شهرنشین تحمیل کرد و پیروی از خط فکری و سیاست‌های حزبی را مقرر کرد. همان‌طور که در اتحاد جماهیر شوروی «کیش شخصیت» ترویج یافت و استالین به منزله خدا تلقی می‌شد، حزب کمونیست چین نیز پرستش مائو تسه تونگ^۱، رهبر حزب، را ترویج می‌کرد. در خلال سال‌های بسیار، سیاست حزبی این بود که دوران طولانی سختگیری ایدئولوژیک را گاهی با اعطای آزادی موقتی و رفع موانع برای مدتی کوتاه جایگزین کند [تا به مردم امید واهی بدهد]. اما مقابله با ضد انقلابیون، جاسوسان، خائنان، «سرسپردگان کاپیتالیسم»^۲ و روشنفکرانی که از طبقه متوسط می‌آمدند از اهداف اصلی حزب بود و حزب با یک رشته مبارزات سیاسی همیشه با این گروه‌ها مقابله می‌کرد.

در سال ۱۹۵۶ مائو با شعار «بگذار صد گل بشکفد، بگذار صد مکتب فکری با

۱- Mao Zedong (۱۸۹۳ - ۱۹۷۶) بنیانگذار جمهوری خلق چین که از زمان تاسیس حزب کمونیست

این کشور (در سال ۱۹۴۹) تا زمان مرگش در سال ۱۹۷۶ رهبر این حزب بود.

۲- Capitalist Roaders: منظور کسانی بود که درون حزب کمونیست می‌خواستند با اصلاحات، کشور را به سوی نظام سرمایه‌داری سوق دهند. مائو معتقد بود که دنگ شیائوپینگ یکی از این افراد است.

هم رقابت کنند» آزادی اندیشه را تا حدودی تشویق کرد. اما یک سال بعد، مبارزه‌ای ضد نیروهای راست‌گرا آغاز شد تا مخالفت با حزب را ریشه کن کند. مائو در سال ۱۹۶۶ انقلاب فرهنگی را اعلام کرد که هدف آن در ظاهر احیا شور و التهاب انقلابی بود. در این دوران گارد سرخ^۳ به ضرب و جرح آموزگاران، سوزاندن کتاب‌ها و قتل مخالفان بالقوه رژیم پرداخت. هزاران و شاید صدها هزار روشنفکر، آموزگار و دانشجو به روستاهای دورافتاده تبعید شدند تا در میان کشاورزان زندگی و کار کنند.

پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ گروهی از نخبگان که به عنوان «باند چهار نفره» شناخته شده بودند (بیوه مائو در رأس این گروه بود) بازداشت و محاکمه شدند و به جرم رهبری انقلاب فرهنگی محکوم شدند. پس از این محاکمات دوره کوتاهی آغاز شد که طی آن فضای اندیشه قدری باز شد. در خلال این دوره گروهی کوچک از مخالفان مطالبات خود را برای رسیدن به دموکراسی مطرح کردند. این گروه در شهرهای بزرگ پوسترهایی بر دیوارهای شهر نصب می‌کردند^۴ و با شعارهایی که با خط درشت روی آن‌ها می‌نوشتند مفهوم دموکراسی را برای شهروندان تشریح می‌کردند. رژیم در آغاز با درنگ به این حرکت واکنش نشان داد اما بعد از چندی شروع به سرکوب عاملان این فعالیت‌ها، که خواهان دموکراسی بودند، کرد.

برجسته‌ترین این مخالفان وی جینگ‌شنگ^۵ (۱۹۵۰ -) بود که در همین دوران

۳- Red Guard یا گارد سرخ یک نیروی شبه‌نظامی متشکل از دانش‌آموزان و دانشجویان چینی بود که هنگام انقلاب فرهنگی در سال‌های ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ به دستور مائو تسه‌تونگ تشکیل شد و «تشکیلات مسلح جوانان انقلابی» خوانده می‌شد. وظیفه گارد سرخ، مانوئیست کردن چین در همه ابعاد آن و سپس صدور انقلاب کمونیستی به سایر کشورهای جهان بود.

۴- نصب پوسترهای دیواری که روی آن با خط درشت مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مخالفان درج می‌شود یک سنت قدیمی در چین است. پوسترهای دیواری عملاً نقش رسانه‌ای داشتند و دارند و برای ابراز و تعمیم نارضایتی و مخالفت به کار برده می‌شوند.

۵- Wei Jingsheng (۱۹۵۰ -) فعال سیاسی چینی که برای تحقق دموکراسی در چین فعالیت می‌کند. او به دلیل نوشتن مقاله معروف «دموکراسی: رکن پنجم تجدید»، در سال ۱۹۷۹ به اتهام ضد انقلابی بودن بازداشت شد و تا سال ۱۹۹۳ در زندان به سر برد. سپس مدت کوتاهی آزاد شد ولی به دلیل ادامه فعالیت سیاسی و مصاحبه کردن با روزنامه‌نگاران خارجی دوباره بازداشت شد و از سال ۱۹۹۴ تا سال ۱۹۹۷ دوباره در زندان بود. سپس به دلایل پزشکی آزاد شد و به آمریکا مهاجرت کرد. وی جینگ‌شنگ در آمریکا بنیادی تأسیس کرد که هدفش بهبود وضعیت حقوق بشر در چین و دموکراتیزه کردن این کشور است.

بازداشت شد. او که حرفه‌اش برقکاری بود علاوه بر آن که پوسترهای دیواری می‌نوشت سردبیر مجله‌ای به نام «کاوشگری» بود. در بهار آزادی، که از ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ به طول انجامید، وی جینگ‌شنگ مقالات متعددی درباره دموکراسی نوشت. «دموکراسی: رکن پنجم تجدد» از معروف‌ترین مقالات او در این دوره بود که موضوع آن بررسی سیاستی بود که دولت تحت عنوان «چهار رکن تجدد»^۶ در پیش گرفته بود. استدلال جینگ‌شنگ این بود که تجدد در هر کشوری - خواه در غرب خواه در شرق - بدون دموکراسی امکان‌ناپذیر است. او به دلیل نوشتن این مقالات به ۱۵ سال زندان محکوم شد.

گزیده‌ای از مقاله «دموکراسی: رکن پنجم تجدد» را در ادامه می‌خوانید.

۶- The Four Modernizations یا چهار رکن تجدد اشاره به سیاستی است که دنگ شیائوپینگ برای توسعه و تقویت کشاورزی، صنایع، ارتش، علوم و تکنولوژی اعلام کرد. این اصول بعد از مرگ مائو تسه‌تونگ در سال ۱۹۷۷ اعلام و به اجرا گذاشته شد تا اقتصاد چین را احیا کند؛ اصولی که میراث ماندگار دوران رهبری دنگ شیائوپینگ بود.

رکن پنجم تجدد^۷

روزنامه‌ها، مجلات و رادیوها امروز دیگر درباره دیکتاتوری طبقه کارگر و مبارزات طبقاتی داد سخن نمی‌دهند. یک علت این امر آن است که «باند چهار نفره»، که اکنون سرنگون شده است، از این شگردها به عنوان رویه‌ای تبلیغاتی با اثرات معجزه‌آسا استفاده می‌کرد. دلیل دیگر و حتی مهم‌تر این که مردم از این نوع تبلیغات خسته شده‌اند و دیگر گول هیچ کس را نمی‌خورند.

تاریخ نشان داده است تا زمانی که آنچه قدیمی است نرود، نو به جای آن نمی‌آید. اکنون که آنچه قدیمی بود رفته است مردم با ناباوری اما مشتاقانه در انتظارند تا چیز تازه‌ای جای آن را پر کند. بالاخره یک روز خدا کمک کرد و وعده‌ای بزرگ به مردم دادند که همانا اعلام ارکان چهارگانه تجدد بود. هووا گوئوفنگ^۸، رهبر فرهیخته حزب کمونیست چین، و دنگ شیائوپینگ، معاون او که در اذهان مردم رهبری حتی برجسته‌تر و فرهیخته‌تر است، «باند چهار نفره» را کنار زده‌اند و تحقق اشتیاق مملو از امید کسانی که در میدان تیان‌آنمن جانشان را در راه دموکراسی و پیشرفت از دست دادند امروز نزدیک‌تر و میسرتر می‌نمایند.

اما متأسفانه خیلی زود مردم دریافتند نظام سیاسی قدیمی، که از آن انزجار داشتند،

7- The Fifth Modernization.

۸- Hua Guofeng (۱۹۲۱ - ۲۰۰۸) سیاستمدار چینی که رئیس حزب کمونیست و نخست‌وزیر این کشور بود. دنگ شیائوپینگ بعد از مرگ مائو به تدریج او را کنار زد؛ زیرا او به درستی سیاست‌های مائو به شدت اعتقاد داشت، در حالی که دنگ شیائوپینگ عملگرا و مصمم به اعمال اصلاحات عمیق بود.

تغییر نکرده است و حتی سخن گفتن از دموکراسی و آزادی که این همه به آن امید داشتند ممنوع است.

آیا امروز مردم از آزادی برخوردارند؟ خیر. آیا خواست مردم این است که بر سرنوشت خود حاکم باشند؟ قطعاً این طور است. پیروزی حزب کمونیست بر کومینتانگ^۹ به همین دلیل بود. اما بعد از آن پیروزی چه بر سر دموکراسی آمد که آن همه وعده‌اش را داده بودند؟ شعار دیکتاتوری دموکراتیک مردم جای خود را به دیکتاتوری طبقه کارگر داد.

نیازی نیست که در این جا به شایستگی‌ها و ضعف‌های مائو تسه‌تونگ پردازیم. او خودش در این باره صحبت کرده است و ضعف‌هایی را که در عملکردش بود توجیه کرده و به نوعی از خود دفاع کرده است. لازم است مردم لحظه‌ای بیندیشند و از خود سوال کنند که آیا بدون استبداد مائو تسه‌تونگ چین در همین وضعیت عقب‌ماندگی که امروز در آن است می‌بود یا نه. آیا مردم چین احمق یا کاهل‌اند یا از ثروت بدشان می‌آید؟ آیا این مردم زیاده‌خواهند؟ کاملاً برعکس. پس اگر این طور است، دلیل این عقب‌ماندگی چیست؟

پاسخ به این پرسش کاملاً روشن است. مردم چین نباید در این مسیر می‌افتادند. پس چرا افتادند؟ فقط به این دلیل که آن رهبر مستبد خودستا^{۱۰} آن‌ها را به این راه کشاند. اگر مردم در این مسیر نمی‌افتادند او با دیکتاتوری بر آن‌ها حاکم می‌شد. مردم راه دیگری پیش روی خود ندیدند و گزینه دیگری نداشتند. آیا این اغفال کردن مردم نیست؟ آیا در فریبکاری می‌توان نکته‌ای یافت که مثبت باشد؟

حال این مسیری که به آن اشاره کردم چه بود؟ این مسیر همانا «راه سوسیالیست» بود. بنا به تعریفی که مارکسیست‌های قدیمی از آن می‌کنند سوسیالیسم یعنی این که مردم، یا بهتر بگویم طبقه کارگر، ارباب خودشانند. بگذارید از کارگران و کشاورزان چینی سوال کنم: «با دستمزد ناچیزی که هر ماه دریافت می‌کنید، ارباب چه کسی هستید یا این که چطور اربابی می‌توانید باشید؟» از تکرار جوابشان عار دارم. شما ارباب خود نیستید بلکه بر شما «اربابی» می‌کنند.

دموکراسی حقیقی چیست؟ دموکراسی حقیقی یعنی مردم حق دارند نمایندگان خود را برگزینند و این نمایندگان موظف‌اند مطابق اراده مردم و با در نظر گرفتن مصالح

۹- Kuomintang حزب ملی گرا و طرفدار دموکراسی چین که پس از پیروزی کمونیست‌ها در چین به تایوان منتقل شد و جمهوری چین را در آن سرزمین تاسیس کرد.

۱۰- منظور مائو تسه‌تونگ است.

آن‌ها کار کنند. این تنها معنی دموکراسی است. به علاوه لازم است که مردم اختیار داشته باشند هر وقت اراده کنند نمایندگان خود را برکنار کنند تا این نمایندگان نتوانند به نام آن‌ها دیگران را اغفال کنند. این همان دموکراسی‌ای است که در اروپا و آمریکا مردم از آن بهره‌مند هستند. در این کشورها اراده مردمی موجب شد که رهبرانی مانند نیکسون^{۱۱}، دوگل^{۱۲} و تاناکا^{۱۳} از قدرت برکنار شوند؛ هرگاه مردم اراده کنند می‌توانند دوباره آن‌ها را به کار منصوب کنند و هیچ کس قادر نیست حقوق دموکراتیک مردم را زیر پا بگذارد.

اما در چین اگر کسی حتی درباره یک رهبر مرده این کشور، «کشتی‌بان اعظم مائو تسه‌تونگ» یا «آبر مرد» بی‌همتا در تاریخ، سخنی بگوید روانه زندان می‌شود و باید خود را برای هر گونه بدبختی و مصیبتی آماده کند.

آیا اگر مردم از مزایای دموکراسی برخوردار شوند کشور دچار بی‌نظمی و بی‌قانونی - اعم از قوانین الهی یا انسانی - خواهد شد؟ آیا نشریاتی که همین اواخر منتشر شد نشان نداد که فقط به دلیل فقدان دموکراسی است که دیکتاتورها، چه بزرگ و چه کوچک، قوانین را، اعم از قوانین الهی یا قوانین انسانی، زیر پا می‌گذارند؟ این که چگونه باید نظام دموکراتیک را برقرار و حفظ کرد مسئله‌ای داخلی است که خود مردم باید آن را حل کنند و نیازی نیست حضرات دل‌نگران آن مسائل باشند. بنابراین اگر به تاریخ بازگردیم و بر مبنای تجربیات تاریخی قضاوت کنیم یک سیستم اجتماعی دموکراتیک پیش فرض اصلی یا پیش شرط هر گونه ترقی است. بدون تحقق این پیش فرض یا پیش شرط مهم نه فقط امکان هیچ گونه پیشرفتی وجود نخواهد داشت، حتی نمی‌توان ثمره پیشرفت‌هایی را که تا کنون حاصل شده است حفظ کرد. تجربه مام میهن در این سی سال گذشته

۱۱- Richard Nixon (۱۹۱۳ - ۱۹۹۴) سی‌وهفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ که از سمت ریاست جمهوری استعفا داد.

۱۲- Charles de Gaulle (۱۸۹۰ - ۱۹۷۰) ژنرال و دولتمرد فرانسوی که در جنگ دوم جهانی رهبر نیروهای مقاومت علیه آلمان نازی بود و از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ رهبر دولت موقت فرانسه برای استقرار مجدد دموکراسی در این کشور بود. دوگل در سال ۱۹۶۹ به دنبال رد پیشنهادی که برای اصلاحات در تشکیلات مجلس سنا فرانسه و حکومت‌های محلی از طریق یک فرماندوم سراسری کرده بود از سمت خود استعفا داد.

۱۳- Kakuei Tanaka (۱۹۱۸ - ۱۹۹۳) سیاستمدار ژاپنی، نماینده مجلس (۱۹۴۷ - ۱۹۹۰) و نخست‌وزیر این کشور (۱۹۷۲ - ۱۹۷۴) که به دنبال یک رسوایی مالی بازداشت، محاکمه و محکوم شد و از سیاست کناره‌گذاشته شد.

بهترین گواه بر این واقعیت است.

اما چرا افتادن در مسیر موفقیت و تجدد برای تاریخ بشر ضروری است؟ زیرا بشر برای این که بتواند در زندگی اثرگذار باشد و ثمره‌ای داشته باشد نیاز به جامعه‌ای مرفه دارد که حداکثر فرصت‌ها را برای آحاد افراد تامین کند تا بتوانند به دنبال آزادی بروند که اولین گام در راه سعادت بشر است. دموکراسی یعنی بهره‌بردن از حداکثر ممکن آزادی؛ تا اندازه‌ای که بشر تا به امروز به آن دست یافته است. کاملاً مشهود است که در دنیای امروز نیل به دموکراسی هدف همه مبارزاتی است که انسان‌ها در آن درگیر می‌شوند.

آیا مردم چین هم واقعا در پی مبارزه برای نیل به دموکراسی هستند؟ انقلاب فرهنگی اولین فرصتی بود که در آن مردم توانستند قدرت خود را نشان دهند؛ نیروهای ارتجاعی جملگی در مقابل مردم به خود لرزیدند. از آنجا که مردم در آن موقع هنوز گرایش روشنی نداشتند و نیروهای دموکراتیک هم در این مبارزه نقش اصلی را ایفا نکردند، رهبر مستبد و ستمگر اغلب شخصیت‌های این نیروها را خرید، به بیراهه کشاند، در میانشان تفرقه انداخت، به آن‌ها تهمت‌های ناروا زد و بالاخره آن‌ها را به شدت سرکوب کرد. به این ترتیب این نیروها محو شدند.

امروز پس از ۱۲ سال مردم بالاخره آگاه شده‌اند که اهدافشان چیست. گرایش آن‌ها مشخص شده است و یک رهبر واقعی دارند که همانا پرچم دموکراتیک است. دیوار دموکراسی در شیدان^{۱۴} اولین صحنه مبارزه مردم با نیروهای مرتجع است و بدون تردید مردم از این مبارزه پیروز بیرون خواهند آمد، یا همان‌طور که اغلب گفته می‌شود آزاد خواهند شد. این شعار «آزادی» اکنون مفهوم تازه‌ای دارد. تردیدی نیست که در این مبارزه خون‌ها ریخته خواهد شد، رنج‌ها برده خواهد شد و شاید علیه ما توطئه‌های پنهانی صورت بگیرد. با همه این‌ها نباید اجازه دهیم پرچم دموکراتیک در پشت غباری کبود محو شود. بیایید تا با هم در زیر این درفش بزرگ و واقعی متحد شویم و به دلیل صلح، سعادت، حقوق مردم و به خاطر آزادی به سوی تجدد گام برداریم!

۱۴- Democracy Wall دیواری آجری که در محله قدیمی و تجاری پکن در خیابانی به نام Xidan واقع شده است. از نوامبر ۱۹۷۸ تا دسامبر ۱۹۷۹ هزاران پوستر از سوی مردم در اعتراض به موضوعات سیاسی و اجتماعی روی این دیوار نصب شد و این حرکت آغاز جنبش دموکراسی در چین بود.

در خلال تظاهراتی که برای دموکراسی در میدان تیان‌آنمن پکن برگزار شد، دانشجویان مجسمه‌ای به ارتفاع بیش از ۹ متر و با عنوان «خدای دموکراسی» در مقابل تصویر مائو تسه‌تونگ برپا کردند. کم‌تر از یک هفته بعد، در ۴ ژوئیه ۱۹۸۹ ارتش تظاهرات‌کنندگان را سرکوب کرد و این مجسمه را پایین کشید. تعداد زیادی از تظاهرات‌کنندگان در این سرکوب کشته شدند.



